جمال شورجه (فیلمساز) یدالله صمدی (فیلمساز) محمد کاسبی (بازیگر) رسول ملا قلی پور (فیلمساز) شهریار بحرانی (فیلمساز) پرویز شیخ طادی (فیلمساز) داود میرباقری (فیلمساز) جهانگیر الماسی (بازیگر) پروانه معصومی (بازیگر) امیر قویدل (فیلمساز) ابراهیم حاتمی کیا (فیلمساز) سلحشور (فیلمساز) علی نصیریان (بازیگر) مجید مجیدی (فیلمساز) شهید آوینی (فیلمساز) جواد اردکانی (فیلمساز)

نقد و نظری بر سریال« یادآوری»

جذاب می‌شد اگر...

* مهدی نوروزخانی

قطع امید ازموفقیت و میزان جذب حداکثری مخاطبان یک سریال که به تازگی ثلث قسمت‌هایش پخش شده و هنوز بیست قسمتی تا پایان دارد؛ شاید برآوردی عجولانه باشد و مانند مثل معروف فوتبالی‌ها که می گویند بازی فوتبال ۹۰ دقیقه است؛ باید به ثلث دوم و سوم آن هم امید داشت .البته اگر در یک بازی فوتبال ،تیمی ویژگی‌ها و شرایط خاصی نداشته باشد همه احتمال موفقیتی اعشاری و زیر یک درصد قائل هستند که این اصل هم برای امید به موفقیت مجموعه مورد بررسی قابل تعمیم است.

سریال مورد بحث «یادآوری»است .مجموعه ای ۳۰ قسمتی که حدودا ۱۰ ماه طول مدت تصویربرداری اش بوده و مهم‌ترین ویژگی آن که سطح توقع‌ها را به سبب بسیار بالا برده این است که اولین مجموعه تولیدی شبکه IFilm است. شبکه ای که تا قبل از این سریال، به مانند تیم فوتبال منتخب جهان ،بهترین تولیدات شبکه‌های دیگر را بازپخش می‌کرد و همین گلچینی بودن سریالهایش رضایت بالای جامعه مخاطب هدف را به ارمغان آورده بود.

متأ سفا نه مجمو عه «یادآوری »تا بدین جا برآورده‌کننده سطح انتظارات از نخستین اثر تولیدی شبکه IFilmنبوده؛ علی رغم زحمت و تلاش بسیاری که برای رسیدن به آن صرف شده و از زیر پوست فرم و ظاهر مجموعه کاملاًملموس است .مثلاًبرای بالا نگه داشتن سطح کیفی سریال از تیم بازیگرانی نسبتاً پرآوازه استفاده شده ،داستانی تقریباً نامتعارف روایت می‌شود ،کارگردانی و دوربین کشی ها سینمایی است، و در مجموع در موسیقی و تدوین و صحنه پردازی و باقی موارد و مسائل فنی نوعی انگیزه شاهکارسازی استفهام می‌شود.

اینکه مجموعه«یادآوری» با وجود بهره مندی از امکانات بسیار و شرایط مطلوب مثل کنجکاوی و توجه از پیش تضمینی مخاطبان و منتقدان به بهانه نخستین سریال ارجینال شبکهIFilm ؛ چرا نتوانسته به جاذبه بالای هنری و جذب حداکثری مخاطب دست پیدا کند، دلیل و دغدغه متن پیش رو نیست.

زیرا هنوز تعداد قسمت بسیاری باقیمانده و موعد عادلانه و مناسب نقد فرمی و محتوایی یک سریال پس از پخش قسمت‌های میانی است ،مگر آنکه مورد و یا نکته ای خاص وجود داشته باشد که نیاز به شرح و بسط و تفسیر دارد .اولین سریال شبکه IFilmدارای چنین تبصره مانند است که به سبب پخش آن برای مخاطبان غیر ایرانی و نوع موضوعات مطرح شده در سریال ،اهمیتی چند برابر پیدا می کند.

البته قبل از ورود به بحث درپیرامون مجموعه،با توجه به زیاد شدن شبکه های خبری و سینمایی و ... برون مرزی و برای مخاطب غیر مقیم ،بیان یک هشدار مرتبط برای مسئولین سازمان صدا و سیما واجب به نظر می‌رسد .راه اندازی یک مرکز، بخش ،واحد ،معاونت و یا هر عنوان اداری-سازمانی دیگری که اتفاقاً اصلاًنام و رده بندی سازمانی و... آن مهم نیست و فقط و فقط یک وظیفه را باید بر عهده گیرد که چه تصویری از ایران و ایرانی برای خارج از مرزها ترسیم می‌شود .ضرورت راه‌اندازی چنین تشکیلاتی به حدی ساده و مشخص است که دیگر نیاز نیست برای اثباتش به کمپانی‌های تلویزیونی بزرگ اشاره کامل و جامعی داشت که چرا شبکه های داخلی و برون مرزی شان هیچ‌گاه مشترک نیستند و مثلاًشبکه بی بی سی مختص به کشور انگلیس ،سازوکاری جدای از بی بی‌سی جهانی و دیگر بی‌بی‌سی‌ها دارد.

باری ،در خلاصه داستان ارائه شده از طرف سازندگان چنین آمده که :یادآوری داستان آدم‌هایی است که فرصت دو بار زندگی کردن به آن‌ها داده شده است .می‌میرند و باز می‌گردند ...این سریال داستان مرگ و زندگی است.داستان آدم‌هایی که سرنوشت ،آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد تا به جست وجوی رازهای مدفون بپردازند و رشته از هم گسیخته زندگی‌شان را با نگاهی دیگرگون از نو بتابند...

البته روایت«یادآوری» که از IFilm پخش می‌شود چنین شعرگونه نیست و اصلاً به مسائل و موارد ماورایی نمی‌پردازد .چاقوکشی و قتل در نوجوانی ،انتظار برای اجرای حکم اعدام ،تلاش برای اجرای حکم اعدام و لذت از مرگ و انتقام ،طلاق، مادری بی مبالات که باعث شده دست فرزندش در چرخ گوشت برود ،مادر محروم از ملاقات با فرزند، خواهران دم بختی که خواستگار پیر پسری به ارث پدریشان چشم طمع دارد ،نو کیسه گی و ... موضوعات و مواردی است که در ثلث اول قسمت‌های سریال«یادآوری»برای مخاطبان داخلی و خارجی مطرح شده است.ارائه تصویری سیاه و چرک از کشور و اجتماع ایرانی آن هم برای کشورهای همسایه و رقیب که هیچ مشخص نیست تحت چه منطقی چنین موضوعاتی دستمایه این سریال شده‌اند و از همه عجیب‌تر چرا نوع و جنس روایت آن‌ها به گونه‌ای است که از جامعه و مردم ایرانی تصویرسازی کرده و به مخاطب خارجی ذهنیت می‌دهد. برای تفهیم بهتر به سریال‌های کلمبیایی شبکه فارسی وان که دارای سیاهی ها و پلیدی‌های مطرح شده هستند و نوع روایت آن‌ها به گونه ای است که از کشور کلمبیا هیچ تصویر ذهنی ارائه نمی‌کند تا آنجا که مخاطب معمولی در بالاترین حالت ممکن جامعه بستر شده در داستان آن سریال‌ها را کشوری در آمریکای لاتین حدس بزند.

خیلی تفکر ،منطق،بهانه ،عذر و در کل پاسخ احمقانه ای است که تشریح کند در پایان خط داستانی سریال«یادآوری » همه چیز به خوبی و خوشی و رضایت ختم خواهد شد و تمام آن تصویرسازی کثیف و چرک از ذهن خارجی و یا مقیم خارج پاک خواهد شد .زیرا این‌گونه هم که از روایت داستان و توالی وقایع مستفاد و پیش بینی می‌شود از ۳۰ قسمت سریال ۱۰، قسمت اول برای گره افکنی ،ثلث دوم حفظ وضعیت و گرایش به سفیدی است و در یک سوم پایانی یک هپی اند بالیوودی به گستره۱۰ قسمت عرضه خواهد شد .تازه این در حالی است که مخاطب جذب سریال‌های شبکه های دیگر نشود و پای دو سوم پایانی قسمت‌ها بنشیند و سفیدی های به عکس سیاهی‌های ۱۰قسمت اول را هم ببیند.

نگاهی به فیلم" خاک و مرجان "به کارگردانی مسعود اطیابی

آویزه در محاق

* فاطمه محمدی

جنگ سالها است که دامنگیر افغانستان و مردمش شده است .کشوری با پیشینه تاریخی فاخر و غرورآمیز که اینک جنگ ،خاک و مردمش را به وادی مصائب افکنده و سال ها به عقب رانده است .جنگی که دست آوردهای شومی را برای آن مردم به ارمغان آورده و دستمایه‌ای شده است برای ساخت فیلمی چون« خاک و مرجان»

«خاک و مرجان» روایت آدمهای غلتیده در خاک و خون است .روایت آدم‌هایی که از کوچک و بزرگ ،پیر و جوان و زن و مرد هر یک به نحوی با جنگ دست و پنجه نرم کردند و حالا در مقابل آینه زندگی ،خود را خسته و رنجور به تماشا نشسته اند. گذشته آدم های داستان در زندگی آنها و زندگی نسل های پس از آنها صد در صد تاثیرگذار بوده و این واقعیت غیرقابل انکار است.« خاک و مرجان »نیز قصد دارد تا داستان گوی گذشته و حال ستمدیدگان افغانستان باشد و با تمهید الگوی مکاشفه لحظاتی همدردی برانگیز را برای مخاطبانش به تصویر بکشد.

خاک و مرجان با سکانسی رقت‌انگیز و خوفناک آغاز می شود .دست مردی را می بینیم که اسلحه به دست، زنانی را که با روبنده صورت‌هایشان را پوشانده اند ،از نقطه سر هدف قرار داده و آنها را می کشد .این سکانس کنجکاوی بر انگیز است و احساسات بیننده را برای دنبال کردن و آگاه شدن از جریان این قتل های بی رحمانه به قلاب می کشد.

در سکانس بعدی با قادر آشنا می‌شویم .او به کار قاچاق مشغول است که از سوی محافظان خان منطقه که برایش قاچاق می کرده ،مورد خشونت قرار می گیرد .پس از این واقعه قادر تصمیم می گیرد دیگر قاچاق نکند و ماشین خود را که با آن اجناس قاچاق را حمل می کرده ،می‌فروشد و نزد دو دختر جوان« گیسو »و نوجوانش«آینه»می‌رود. او که همسرش را از دست داده و به هیچ عنوان راضی نیست مهر زنی دیگر را در قلب خود جای دهد ،رابطه خوبی با دخترانش دارد و به خوبی نقش پدری غیور و نیز مادر را برای آنها ایفا می کند. آنها در فکر آماده کردن مقدمات عروسی گیسو هستند و به دستور پدر به کابل، شهر خودشان سفر می کنند.

دوستان قادر به دیدارش می آیند. تعداد بسیار دوستان خبر از این می دهد که قادر مردی اجتماعی و نزد همگان عزیز است .میان دوستان جای یک نفر که از همه برای قادر عزیزتر است، خالی است .او پهلوان گلزار است .قادر با خوشحالی و اشتیاق بسیار از پهلوان گلزار سخن می گوید .نزد دخترانش از او با عنوان مرد مردان یاد می کند. دخترها خانه را برای ورود پهلوان گلزار آماده می کنند و خوراکی در خور او که یک مهمان ویژه و عزیز است ،مهیا می کنند .قادر نیز چشم انتظار است تا اینکه زنگ در به صدا در می آید و او به استقبال مهمانش می رود ولی وقتی در را باز می کند ،با مردی نحیف و رنجور مواجه می شود .قادر او را نمی شناسد. اما با کمی تامل در می یابد که او همان پهلوان گلزار است؛ پهلوان خاطرات قادر که اینک با مصرف مواد مخدر به شخصیتی نحیف و تکیده تبدیل شده است .اعتیاد نیز یکی از صدها دستاورد جنگ است که مردم افغان را درگیر خود کرده است.

در کابل قادر را همواره بر سر مزار آویزه می بینیم .اطرافیان از این کار او آگاه شده و برای تقلیل اندوهش تصمیم می گیرند تا او را با زنی به نام سیاه مو آشنا کنند تا شاید مهر زن در دل قادر افتد و او را به همسری برگزینند .قادر اما زیر بار این تصمیم نمی رود و زن را تنها به چشم یک همسایه در خانه خود نگاه می کند.

در میانه فیلم زنی به همراه یک پسربچه به یک مسافرخانه می رود .او وقتی دخترها و سیاه مو به بازار رفته‌اند، آنها را زیر نظر دارد .زن چادری مثل زن‌های ابتدای فیلم به سر دارد و با بغض به گیسو و آینه نگاه می کند .با دیدن او در می یابیم که زن احتمالا آویزه همسر قادر و مادر دخترهای اوست .هر لحظه داستان بغرنج تر شده و مخاطب را دچار سردرگمی می کند .اگر او آویزه است، پس کسی که قادر بر سر مزارش می رود کیست؟

شب عروسی گیسو فرا می رسد و همه سرمه های جشن را به چشم می‌کشند .مهمانان جمع شده اند و آویزه نیز در جمع حضور می یابد .هنگام رفتن آویزه ،قادر با او روبه رو شده و تعقیبش می کند.

آنها در مسافرخانه با هم روبه‌رو می‌شوند .قادر دلیل این همه سال پنهانکاری را از آویزه می خواهد و در باره بچه ای که همراه دارد از او می پرسد. آویزه روزهای اسارتش را در اسارتگاه نیروهای آمریکایی به یاد می آورد و همان صحنه ابتدایی فیلم نیز برای مخاطبان تداعی می شود...

نویسنده فیلمنامه خاک و مرجان «پانته آ تاجبخش »توانسته به روشنی این حقیقت تند و تیز و جسورانه را که آویزه قربانی تجاوز تجاوزگران و اشغالگران وطنش شده ؛ موضوعی که کمتر به آن پرداخته شده است ،به تصویر بکشد .قادر نمی تواند این واقعیت را بپذیرد و آویزه را ترک می کند.

قادر سرانجام می فهمد زنی که با نام آویزه دفن شده است ،دختر مردی دیگر است که در یک حمله وحشیانه وقتی دختر به همراه آویزه فرار می کرده، آتش گرفته و سوخته و در همین حادثه آویزه نیز به دست نیروهای دشمن اسیر شده است.

آویزه که پس از آگاه شدن قادر از این اتفاق نامبارک یارای ماندن در کابل را ندارد ،کابل را ترک می کند .قادر اما به دنبالش می رود ولی نمی تواند او را بیابد. با این پایان بندی تلخ فیلمنامه‌نویس و فیلمساز قصد دارند تا تاکیدی کنند بر اینکه قادر ،آویزه و دخترها و نصیب بی‌گناه وارد این بازی سیاه شدند و مجبورند تا با واقعیت های زندگی خود دست و پنجه نرم کنند.

آویزه و قادر نیز می توانستند زندگی آسوده ای داشته باشند ،به شرطی که در آن روز نحس آویزه اسیر و حوادث پس از آن بر سرش نازل نمی‌شد .گذشته او حوادثی را در زندگی حالش منعکس کرده است و چنان او را به بند کشیده است که راه فراری نمی‌توان یافت .گویی آویزه باید همواره در گذشته خود زندگی کند و هیچ بندی نباید او را به واقعیت‌های زندگی امروزش وصل کند .

فیلم تلاشی است که مخاطبان ایرانی را با زندگی مردم آن دیار آشنا سازد .زندگی پر از رنگ های گرم و پر حرارت که در طراحی لباس های بازیگران به زیبایی به چشم می خورد. زیبایی طراحی لباس گیسو و آینه در سکانس پیک نیک به اوج خود می‌رسند. با وجود جنگ در این کشور ،مخاطب در می یابد که قلب زندگی هنوز هم در افغانستان می تپد و حیات ادامه دارد .زندگی که گاهی با سفر تفریحی ، لباس‌های رنگین و جشن عروسی زیبا می شود و گاهی با کشف یک واقعیت زننده تلخ !

داستان فیلم اما داستانی قابل تامل و همدردی برانگیز است و طراحی و بازنمایی شخصیت ها در آن هوشمندانه صورت گرفته است.

شخصیت قادر یک شخصیت پدر به معنای واقعی کلمه و مردی غیور و رنجور تعریف شده است و داستان حول محور او می گردد .دیگر شخصیت‌ها نیز تک بعدی تعریف شده‌اند و درست معرف نقشی هستند که تمهیدات آن در فیلمنامه اندیشیده شده است .قادر، آویزه ،گیسو و آینه به نمایندگی از مردم ستمدیده افغان معرفی شده‌اند که به تناوب در قاب های زیبایی که برای به تصویر کشیدن سکانس ها طراحی شده ، دیده می‌شوند؛ قاب‌هایی که روی دیگر سکه را به مدد دکوپاژهایی که افغانستانی پر از زندگی را نمایان می‌سازند ،نشان می دهند.

بازی ها نیز با نقش ها همخوانی دارد .به خصوص اینکه افق جدیدی را از مردم افغانستان به روی مخاطب ایرانی می گشاید و مهم‌تر از همه موسیقی معروف افغانی است که خبر از فرهنگ و سنت مردم این مرز و بوم می دهد؛ فرهنگی دیرینه و ریشه دار که امید است هر روز پر بارتر از دیروز رخ بنماید .

همکاری صمیمانه هنرمندان افغان و ایران و کارگردانی سید مسعود اطیابی در این فیلم باعث شده تا داستانی همدردی برانگیز با سرمایه‌گذاری شبکه جهانی سحر تولید شود تا ماموریت های این شبکه برونمرزی صدا و سیما در تبیین عمق مصائب مردمان گرفتار تجاوز و اشغال در هر جای جهان را به عینیت درآورده و مخاطب را به سمت اینکه برای لحظه ای هم که شده چشمانش را ببندد و خود را جای آویزه یا قادر بگذارد ،سوق دهد و اینکه آیا آنها که یکدیگر را گناهکار می دانند ،به واقع گناهکارند یا هر دو زخم خوردگان پدیده ای زشت و مخرب به نام زیاده طلبی ،خود سروربینی و تجاوز و اشغال در جهان از سوی آمریکا و قدرت‌های بزرگ و دست‌نشانده های آنان نظیر طالبان‌اند؟

اطلاعیه

ثبت نام کاندیداهای احراز پست (ریاست فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین)

نظر به اینکه مجمع عمومی فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین، به منظور انتخاب رئیس فدراسیون در بهمن‌ماه سال جاری برگزار خواهد شد، بدین وسیله از کلیه علاقه‌مندان احراز پست ریاست فدراسیون دعوت بعمل می‌آید جهت دریافت فرم ثبت نام و ارائه مدارک موردنیاز از تاریخ ۱۳۹۲/۹/۲۳ تا پایان وقت اداری ۱۳۹۲/۱۰/۷ به مدت ۱۰ روز کاری به دبیرخانه مجمع واقع در تهران، خیابان طالقانی، خیابان بهار شمالی، خیابان ورکش، پلاک ۶، فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین مراجعه نمایند.
مدارک موردنیاز برای ثبت نام: فتوکپی کارت ملی، شناسنامه (تمام صفحات)، کارت پایان خدمت، آخرین مدرک تحصیلی (حداقل کارشناسی) و دو قطعه عکس جدید
ارائه اصل مدارک در هنگام ثبت نام الزامی است.
دبیر مجمع فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین

«آگهی دعوت مجمع عمومی عادی شرکت نیروی غرب (سهامی خاص)»
بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت نیروی غرب می‌رساند جهت حضور درجلسه مجمع عمومی عادی در روز یکشنبه مورخ ۹۲/۱۰/۱ از ساعت ۱۰ الی ۱۲ در محل شرکت واقع در کرمانشاه خیابان شریعتی روبه‌روی کوچه ثبت- بن‌بست تفضلی پلاک ۶۳۸ حضور بهم رسانید.
دستور جلسه:
- استماع گزارش هیئت مدیره - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان- انتخابات جدید هیئت مدیره و بازرسین
رئیس هیئت مدیره

سند کمپانی پژو ۱۶۰۰ آردی مدل ۱۳۸۰ رنگ طوسی روشن روغنی به شماره موتور ۲۲۳۲۸۰۲۰۷۱۷ و شماره شاسی ۸۰۷۲۰۴۳۰ و شماره پلاک ۱۸۱ج۲۲ / ایران ۸۱ مفقود شده اعتبار ندارد.

خواهان فرحناز شاهرخی دادخواستی به طرفیت خوانده پرویز اصلان‌زاده به خواسته طلاق به درخواست زوجه تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان کرج نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۱ دادگاه خانواده کرج واقع در کرج- میدان نبوت- بلوار ملاصدرا- روبروی پارک نبوت- مجتمع خانواده ارجاع و به کلاسه ۹۲۰۹۹۸۲۶۱۱۱۰۱۵۵۱ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۳/۲/۲۰ و ساعت ۱۱ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه یازده دادگاه عمومی حقوقی (خانواده) دادگستری شهرستان کرج
حسین مهدی‌نژاد

اینجانب حسن اسدزاده مالک خودرو به شماره شهربانی ۸۶۲ م ۷۷ ایران ۱۵ و شماره شاسی ۶۱۲۲۲۷۲۶ و شماره موتور ۱۱۶۸۶۰۹۸۴۸۳ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده ام لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران‌خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکان شهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید بدیهی است پس‌از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

حصر وراثت

آقای: ناصر عموآقائی فرزند حبیب به ش م: ۱۷۵۶۵۷۴۵۲۹/ اهواز درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که شادروان نصرت اسکندری فرزند مهدی قلی به ش‌م: ۱۷۵۶۵۹۳۹۷۳/اهواز در تاریخ ۹۲/۴/۱۱ در اهواز اقامتگاه دائمی‌اش فوت شده ورثه‌اش عبارتند از:
۱- متقاضی با مشخصات فوق (همسر متوفی) ۲- علی عموآقائی فرزند ناصر به ش‌ش: ۱۴۱/ امیدیه ۳- محمد عموآقائی فرزند ناصر به ش‌ش: ۸۶/ میانکوه ۴- رضا عموآقائی فرزند ناصر به ش‌ش: ۶۵/ بهبهان ۵- مهدی عموآقائی فرزند ناصر به ش‌م: ۵۲۷۹۷۲۰۷۲۰/ امیدیه ۶- الهام عموآقائی فرزند ناصر به ش‌ش: ۱۴۴۸/ اهواز (دختر متوفی) ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی مینماید تا هرکس اعتراض دارد یاوصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
قاضی شورای حل اختلاف شماره ۶ اهواز - شعبه ۴۱

آگهی دادخواست
خواهان: ناهید نیکویی، نام پدر حسن، با کد ملی ۲۶۷۸۴۱۶۲۴۰ و شماره شناسنامه ۱۷۶۲، متولد ۱۳۴۳، به شماره بیمه ۳۱۰۳۱۸۲۵
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی، کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: مهرانگیز ابراهیم‌زاده، نام پدر فیروز، با کد ملی ۵۱۶۹۳۸۴۹۰۴ و شماره شناسنامه ۹۴۱، متولد ۱۳۴۲، به شماره بیمه ۱۰۱۵۴۰۹۴
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی- کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: غلامرضا بدری، نام پدر حسن، با کد ملی ۲۶۴۹۲۳۵۹۳۴ و شماره شناسنامه ۱۷۴، متولد ۱۳۵۱، به شماره بیمه ۳۱۰۱۶۰۹۹
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی- کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: کیوان نورپورنرگس، نام پدر نوروزعلی، با کد ملی ۲۶۴۹۵۷۳۷۷۵ و شماره شناسنامه ۴۱، متولد ۱۳۵۰، به شماره بیمه ۳۱۰۱۳۸۵۸۴
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی- کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: داود ماهی‌شکار، نام پدر محمدعلی، با کد ملی ۲۶۴۹۵۹۳۸۵۷ و شماره شناسنامه ۱۵۸، متولد ۱۳۵۵، به شماره بیمه ۳۱۰۲۸۶۵۴
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی- کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: حسن خدمتکار، نام پدر محمدرضا با کد ملی ۲۶۴۹۰۹۱۳۸۱ و شماره شناسنامه ۳۶۴، متولد ۱۳۳۵، به شماره بیمه ۳۱۰۰۹۳۸۶
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی- کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: مریم علیزاده کله‌سری، نام پدر بهمن، با کد ملی ۲۶۷۹۴۰۱۷۳۵ و شماره شناسنامه۳، متولد ۱۳۵۲، به شماره بیمه ۳۱۰۳۱۴۸۷
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی، کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: فاطمه وظیفه‌شناس جوان، نام پدر بیت‌اله، با کد ملی ۲۶۴۹۲۳۴۷۷۶ و شماره شناسنامه ۵۸، متولد ۱۳۵۱، به شماره بیمه ۳۱۰۲۰۱۷۰
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی- کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان که این موضوع باعث عدم برقراری حقوق و بیمه ایام مرخصی زایمان از تاریخ ۸۳/۲/۱۵ لغایت ۸۳/۶/۱۵ گردیده است.
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: پرویز صیادپور، نام پدر یوسف، با کد ملی ۲۶۴۹۵۶۱۶۱۰ و شماره شناسنامه ۱۴۶، متولد ۱۳۴۶، به شماره بیمه ۳۱۰۲۳۶۶۵
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی- کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: علی سماک حرفه، نام پدر جواد با کد ملی ۲۶۴۹۲۷۱۱۸۰ و شماره شناسنامه ۶۵۱، متولد ۱۳۴۸، به شماره بیمه ۰۳۱۰۲۱۹۶۶
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی، کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: اکبر صیاد فداکار، نام پدر هادی، با کد ملی ۲۶۴۹۵۳۴۶۶۴ و شماره شناسنامه ۱۳۲، متولد ۱۳۴۰، به شماره بیمه ۰۳۰۵۰۸۴۶۴
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی- کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: عباس باقرزاده جوان، نام پدر ابوالقاسم، با کد ملی ۳۸۷۴۴۶۴۱۶۴ و شماره شناسنامه ۳۱۴، متولد ۱۳۵۳، به شماره بیمه ۳۱۰۳۰۲۷۶
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی- کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: زهرا دنیامالی‌زاده، نام پدر رجب، با کد ملی ۶-۲۶۴۹۲۳۲۰۵ و شماره شناسنامه ۸۲۵، متولد ۱۳۵۰، به شماره بیمه ۳۱۰۲۷۴۶۲
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی- کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: سعداله مهدی‌پور، نام پدر انام‌اله، با کد ملی ۵۷۰۹۳۰۹۱۲۵ و شماره شناسنامه ۵۸، متولد ۱۳۴۳، به شماره بیمه ۳۱۰۱۷۸۰۵
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی، کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی

آگهی دادخواست
خواهان: مرتضی اسماعیلیان، نام پدر مسعود، با کد ملی ۲۶۴۹۸۱۷۲۴۰ و شماره شناسنامه ۲۳، متولد ۱۳۵۷، به شماره بیمه ۳۱۰۳۶۲۸۳
خوانده: شرکت جوانه‌های گیلان (۱۰۶۰۰۰۵۴۶۱)، بنام کارفرما قاسم امانی به نشانی رشت- بلوار امام‌خمینی، کوی شهید لک- کوچه سجودی- پلاک ۲۳
شرح دادخواست: عدم پرداخت حق بیمه از اسفندماه ۱۳۸۲ لغایت اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ توسط شرکت جوانه‌های گیلان
اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بندرانزلی